

بررسی فرار مغزها در ایران؛ ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

تورج سبزواری^۱

دکتر مالک ذوالقدر^۲

چکیده:

فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان یکی از چالش‌هایی است که جامعه ما از دیرباز تاکنون و به ویژه در چند دهه اخیر با آن مواجه بوده است و از آن همواره به عنوان یکی از مسایل آسیب‌زا در جامعه یاد می‌شود. فرار مغزها پدیده‌ای پیچیده محسوب می‌شود که عوامل متعددی در آن نقش دارند. این تحقیق به منظور بررسی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر فرار مغزها در ایران از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ تنظیم گردیده است. پژوهش پیش‌رو در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی بوده که به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و در تنظیم آن از روش مصاحبه ساختارمند نیز استفاده شده است که جامعه آماری آن را متخصصان و نخبگانی شامل می‌شوند که تصمیم به خروج از کشور دارند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل سیاسی-اجتماعی در پدیده فرار مغزها تاثیر مهمی دارد.

واژگان کلیدی: فرار مغزها، نخبگان، عوامل سیاسی-اجتماعی، جهانی شدن

^۱ - فارغ التحصیل کارشناس ارشد، علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران
t.sabzevari91@gmail.com

^۲ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
Malek_Zolghader@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۰

مقدمه:

نیروی انسانی به ویژه نیروی متخصص، در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند. در تقسیم‌بندی بانک جهانی نیز یکی از منابع ثروت کشورها، منابع انسانی، به ویژه متخصصین هر کشور ذکر شده است. سرمایه انسانی از ابزارهای مهم توسعه است و توسعه نیز منوط به حفظ سرمایه انسانی است. به عبارت دیگر، سرمایه‌های انسانی یا همان نیروهای متخصص و ماهر، هم ابزار هستند و هم هدف توسعه. امروزه نیروی ذهنی، مغزی، تفکر و مدیریت جامعه یک ثروت محسوب می‌شود و مهاجرت اندیشمندان و روشنفکران می‌تواند موازنه علمی یک سرزمین را با چالش جدی مواجه کند. موضوع مهاجرت نخبگان بحث تازه‌ای نیست، بلکه پدیده‌ای است که از دیرباز تاکنون به گونه‌های مختلف و چشمگیری در کشورهای جهان سوم دیده می‌شود و از این رهگذر در این کشورها صدمات جبران‌ناپذیری در بخش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تمام ابعاد گوناگون جامعه وارد می‌شود که شاید جبران آن یکی از دشوارترین کارها برای این قبیل کشورها باشد.

امروزه می‌توان گفت پیشرفت کشورها در گرو تربیت انسانهای کارآمد و به کارگیری قابلیت‌های آنهاست. اندیشه انسان‌های خلاق و با انگیزه گنجینه‌ای گرانبهاست که در صورت توجه و بهره‌برداری درست از آن، توسعه پایدار حاصل خواهد شد. به دلیل نقش مهم عامل انسانی در پیشرفت کشورهای توسعه یافته، توجه به نیازها و تأمین نظر این قشر اهمیت زیادی دارد. چنانچه در نتیجه بی‌توجهی به نیروی انسانی کارآمد، چنین ثروت عظیمی از دست برود، زیان حاصل جبران‌پذیر نیست و نتایج آن در تمام ابعاد توسعه کشور مشاهده خواهد شد. فرار مغزها در واقع فرار سرمایه‌های نیروی انسانی است که با صرف هزینه بدست می‌آیند و عبارتند از علم، دانش، تخصص و مهارت، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت‌ها و در نهایت نظم و انضباط که بوسیله آموزش و بهداشت در نیروی کار جامعه ذخیره می‌شود و سبب افزایش بهره‌وری نیروی کار در امر تولید می‌شود. بنابراین منابع انسانی مانند دانشمندان، مهندسان، متخصصان، نیروی کار ماهر و منابع سازمانی و نهادی بعنوان سرمایه انسانی تلقی می‌شود و فرار نیروی متخصص و ماهر به این معنی است که جامعه به علم و دانش، تخصص و مهارت‌های آنها نیاز دارد ولی این نیروها به دلایل مختلف مهاجرت دائمی یا نیمه دائمی را به کشورهای دیگر ترجیح می‌دهند. یکی از پدیده‌هایی که اغلب جوامع در عصر حاضر با آن مواجه شده‌اند پدیده فرار مغزها یا مهاجرت نخبگان می‌باشد. امروزه شاهد خروج افرادی از کشورهای مهاجرفرست و ورود به

بررسی فرار مغزها در ایران؛ ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

کشورهای مهاجرپذیر هستیم که به لحاظ دانش و تجربه‌های اجتماعی و مهارت‌های هنری و فنی قابل توجه و برجسته هستند و این پدیده ورود و خروج آثار عمیق و ماندگاری را برای هر دو دسته کشورهای فوق بجای گذاشته است. پدیده نوظهور یاد شده را که اصطلاحاً از آن با عنوان فرار مغزها یاد می‌کنند به معنای خروج افرادی با سرمایه‌های علمی و فنی و تجربه سیاسی و اجتماعی بالا از کشورهای در حال توسعه می‌باشد. تحلیل‌گران عمدتاً پدیده فرار مغزها را برای کشورهای مهاجرفرست نامطلوب دانسته‌اند و از آن به عنوان یک بحران اجتماعی یاد کرده‌اند زیرا معتقدند این روند موجب توسعه و ترقی جامعه مهاجرپذیر می‌شود در حالی که خروج آن از کشورهای مبدأ جامعه را از وجود آن محروم می‌سازد. در واقع، یکی از موضوعاتی که در چند دهه اخیر به عنوان یکی از معضلات اصلی کشورهای در حال توسعه و حتی گروهی از کشورهای توسعه یافته نمود پیدا کرده است و با روندی رو به تزاید در حال گسترش است مسأله فرار مغزها است. پدیده فرار مغزها در ایران پدیده‌ای نوپا محسوب می‌شود که تقریباً از اوایل دهه ۱۳۶۰ جریان مهاجرت متخصصان و تحصیلکردگان از کشور به صورت جدی آغاز شد. این پدیده در ادامه به شکلی وسیع رو به گسترش نهاد و ایران را به صورت یکی از مراکز اصلی صادرکننده سرمایه انسانی درآورد. آمارهای ارائه شده از طرف دولت آمریکا نشان می‌دهند که ۱۲۸۴۰۰ نفر ایرانی با درجه دکتری تخصصی و حرفه‌ای در آمریکا ساکن هستند که از این تعداد در حدود ۱۸۴۸۰ نفر با درجه استادی و ۱۲۴۵۵ نفر با درجه کارشناسی ارشد و ۶۰۰۰۰ نفر نیز دارای درجه تحصیلی کارشناسی می‌باشند. در اروپا نیز ۲۷۵ تا ۳۵۰ هزار متخصص و تحصیلکرده ایرانی در سطح‌های دکتری تخصصی و حرفه‌ای، کارشناسی ارشد و مهندسی به فعالیت مشغولند (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۷۳). همچنین آمارها نشان می‌دهند حدود ۹۰ نفر از ۱۳۵ دانش‌آموزی که در المپیادهای مختلف علمی، صاحب مقام شده‌اند در یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند که امید بازگشت آنان به میهن تنها سه درصد است (وقوفی، ۱۳۸۱: ۵۴).

چارچوب مفهومی:

مفهوم «فرار مغزها»^۱

در تعریف «فرار مغزها» اتفاق نظری وجود ندارد. برخی آن را «فرار مغزها» برخی «شکار

^۱ -brain drain

مغزها» و برخی دیگر «ربودن استعدادها» می‌نامند. مغزها و به اصطلاح نخبگان، نیروهای انسانی متخصص، کارآمد، ماهر و متفکر یک کشورند؛ مخترعان، مبتکران، اندیشمندان و سایر افرادی که برخوردار از دانش فنی هستند. فرار مغزها نیز به مهاجرت، اعم از جذب، فرار و یا اعزام و سرانجام، عدم بازگشت افراد متخصص و کارآموده از کشورهای در حال توسعه به سوی ملل و کشورهای صنعتی پیشرفته اشاره دارد. به عبارت دیگر، فرار مغزها در واقع، فرار سرمایه‌های انسانی است؛ سرمایه‌هایی که با صرف هزینه گزاف به دست می‌آید و عبارتند از: علم، تخصص، تجربه، توان، سلامتی، قابلیت‌ها و در نهایت، انضباط که به وسیله آموزش و بهداشت در نیروی کار ذخیره می‌شود و موجب افزایش بهره‌وری آن در تولید می‌شود (رحیم‌زاده اسکویی، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۱).

نظریه چرخش مغزها

این اصطلاح توسط افرادی چون جانسون و ری‌گتز به کار برده شده است. اساس مفهوم چرخش مغزها، منشعب از دیدگاه طرفداران توسعه پایدار و فراگیری و پیوستگی بسترهای مستعد توسعه در تمامی جوامع بشری است و از آنجایی که توسعه امری پیوسته و مستمر بوده و ابزار راهبردی و اجرایی آن نیروی انسانی متفکر و ماهر می‌باشد، لذا پدیده توسعه اساساً دستاورد جریان چرخشی ورود و خروج نخبگان به ممالک می‌باشد. اینجاست که نخبگان جوامع نه تنها سرمایه انحصاری و خاص هیچ کشوری نبوده بلکه تولید اندیشه و خلاقیت‌های آنان نیز سفره مورد بهره‌برداری برای کل نظام جهانی بوده و هر مکانی که زمینه مناسب‌تری را مهیا نماید، طبیعتاً جذابیت‌های بیشتری برای حضور نخبگان خواهد داشت (اسکروف، ۱۳۴۸: ۵). در نقد نظریه چرخش مغزها می‌توان گفت که گرچه حرکت و سیر نخبگان در نقاط مختلف تمدنی جهان حرکتی طبیعی و ضروری برای توسعه است در واقع، فرد متخصص به خارج از کشور مهاجرت کرده، مطالعه و تحصیل می‌کند، بر تجربه کاری خود می‌افزاید و در نهایت با اندوخته و اطلاعات بیشتری نسبت به قبل آنها را در کشور خود به کار می‌بندد اما این موضوع در کشور ما ایران به گونه دیگری اتفاق افتاده است. مشکل اصلی در خصوص فرار مغزها و مهاجرت نخبگان به مهاجرت بی‌رویه آنها و عدم بازگشت این نیروها مربوط می‌شود. بنابراین مهاجرت بیش از حد نخبگان و عدم برگشت آنها به عنوان مشکل تلقی می‌شود. در حقیقت تا زمانی که به مباحث توسعه کمتر پرداخته می‌شد مهاجرت نخبگان نیز کمتر موضوع بررسی بود

ولی اکنون در دوره‌ای هستیم که مباحث توسعه رشد یافته و آگاهی نسبت به اینکه نخبگان چه تأثیری بر روند توسعه داشته‌اند نسبت به گذشته رشد بیشتری یافته است.

نظریه کشش و رانش (الگوی دفع و جذب)

این نظریه در سال ۱۹۴۱ توسط دروتی اسمیت عنوان گردیده است. این نظریه معتقد به تبیین مهاجرت با توجه به عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی میان مبدأ و مقصد است و به دفع افراد بوسیله عواملی در مبدأ و جذب آنان با عوامل دیگری در مقصد تأکید دارد. به بیان دیگر، گرچه عوامل جذب کننده به قدر کفایت نیستند ولی عوامل دفع کننده تا اندازه‌ای هستند که فرد را به آستانه مهاجرتی لازم ارتقاء دهند (جعفری معطر، ۱۳۸۷: ۳۹). با توجه به نظریه فوق می‌توان این‌گونه استدلال کرد که یک مجموعه از عوامل در مقصد است که عامل کشش و جذب مهاجران است و برای نمونه می‌توان به بالا بودن دستمزدها، امکانات پیشرفته رفاهی، بالابودن امکانات علمی و فرصت‌های تحقیقاتی، وجود آزادی‌های فردی و... اشاره کرد. عوامل رانش فرار مغزها بر اساس یک رویه پیچیده و عدم امکانات در مبدأ با عوامل کشش ترکیب می‌شوند و آن وقت جریان مهاجرت شکل می‌گیرد.

تئوری عوامل دافعه و جاذبه «اورت لی»

طبق نظریه اورت. اس. لی که به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است چهار عامل در تصمیم به مهاجرت و فرآیند آن تأثیر می‌گذارد که عبارت است از:

- الف) عواملی که در ارتباط با حوزه مبدأ است.
- ب) عواملی که در ارتباط با حوزه مقصد است.
- پ) عواملی که مربوط به فاصله میان مبدأ و مقصد است، موانع بازدارنده.
- ت) عواملی که در ارتباط با ویژگی‌های شخصی است.

در واقع، تعیین موقعیت و امکانات هر محل و عوامل جاذب و دافع پنهان و آشکار آن می‌تواند اصلی‌ترین عامل انگیزه در پایداری و ماندگاری جمعیت‌ها یا مهاجرت آنها از منطقه باشد و به اعتقاد لی مهاجرت نوعی گزینش و انتخاب است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). وی در نظریه خود یکی از عوامل عمده مهاجرت را عوامل مرتبط با منطقه عواملی مانند (درآمد کم، کمبود امکانات، توسعه نابرابر و...) می‌داند. برخورداری مقصد از وجود امکانات آموزش، اشتغال و درآمد

بیشتر در مقایسه با مبدأ مشوق مهاجرت و برعکس، عواملی مانند آلودگی هوا، بالا بودن سطح هزینه‌های، دوری از خانواده و محیط و فرهنگ بومی از عوامل دافعه و بازدارنده فرد مهاجر است (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۷۹-۱۸۰).

نظریه کوچ مجازی

بر اساس نظریه کوچ مجازی، خیلی اوقات مهاجرت به معنای تصدیق مقصد نیست؛ بلکه به معنای نفی مبدا است. به این ترتیب ماندگاری افراد و به ویژه نخبگان جامعه، منجر به کوچ مجازی می‌شود و این افراد حتی در صورتی که جغرافیای زندگی خود را تغییر ندهند ولی در مقابل، تبدیل به موجوداتی منزوی و به شدت خصوصی‌گرا می‌شوند. در واقع در اینگونه مهاجرت، افراد گرچه به صورت فیزیکی از جامعه جدا نشده‌اند اما از آن دل‌کنده و نیروهای حیاتی خود را از دست داده‌اند. در نتیجه شور و شوق کافی برای یک حیات مستمر توأم با موفقیت، کوشش و تلاش خالصانه را از دست داده و همراه با یاس و سرخوردگی به روزمرگی خود ادامه می‌دهند. به عبارتی با تبدیل این افراد به یک ناراضی، اسباب مشارکت و نوآوری برچیده می‌شود و در این صورت از لحاظ پیامدهای ایجاد شده، کوچ مجازی مغزها فرقی با مهاجرت فیزیکی ندارد (Nye, 2004: 118).

نظریه مهاجرتی «لاری ساستاد»

ساستاد که نظریه‌های راونشتاین درباره برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت را به شیوه دیگری بیان نمود، نظریه سرمایه انسانی را مطرح کرد. طبق این نظریه که به نظریه هزینه - فایده موسوم است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲). مهاجرت و دوره بیکاری و کم‌کاری همراه آن، ممکن است به عنوان یک سرمایه‌گذاری تلقی شود که سرانجام، درآمد بالاتر و سطح بالاتر زندگی را برای مهاجر در بردارد. مهاجر زمانی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد و درآمد فرد در مبدا کمتر از درآمد قابل انتظار باشد. این نظریه فرض می‌کند که انسان‌ها تمایل دارند درآمد خالص واقعی دوران زندگی شغلی خود را حداکثر کنند و می‌تواند درآمد احتمالی آینده در مقصد و درآمد کنونی در مبدأ را محاسبه نمایند (قلی‌پور و حسام‌پور، ۱۳۸۶: ۳۰).

تجزیه و تحلیل ساختار سیاسی- اجتماعی ایران در عصر کنونی

از نگاه برخی صاحب‌نظران، زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی ایران در سال‌های اخیر و به طور مشخص در بازه مورد بررسی این تحقیق، آسیب جدی خورده‌اند و ترمیم و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور به یک برنامه راهبردی بلندمدت نیاز دارد. در حوزه اقتصاد سیاست- های پولی و بانکی به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای اقتصادی کشور نبوده و مسائل اقتصادی دیگری از قبیل رکود تورمی، هزینه بالای دولت در پرداخت یارانه‌ها و در مجموع جوابگو نبودن درآمدهای حاصله از فروش نفت به منظور هزینه‌های جاری کشور، شرایط اقتصادی کشور را پیچیده‌تر نموده و امکان هرگونه تحول جدی‌ای را در عرصه‌های مختلف کاهش داده است. از لحاظ اجتماعی نیز کشور با آسیب‌ها و معضلات اجتماعی متعددی مواجه بوده است. رشد آمار طلاق، کاهش ارتباطات خانوادگی و فامیلی، وجود فساد اداری، اختلاس‌های ریز و درشت، فیش‌های حقوقی غیرمعارف و ارتشاء از جمله معضلات اجتماعی هستند که بنیان‌های اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند.

۱. تغییر در سبک زندگی

سبک زندگی جامعه ایرانی، در سال‌های پس از جنگ تحمیلی و به‌ویژه دهه اخیر شاهد تغییر و تحولات زیادی بوده است. ساده‌زیستی و قناعت‌پیشگی سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و کمیابی‌های معمول زمان جنگ هشت‌ساله به آرامی جای خود را به مصرف‌گرایی داده است. به طوری که با یک نگاه در سطح شهر و ساخت و سازهای فراوان در حوزه بناهای تجاری، خود نشان از این مهم دارد. پرداختن بیش از حد به تهیه پوشاک روز و توجه به جدید بودن ابزارآلات منزل نمونه‌های دیگری از عوارض این پدیده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مصرف کالا در ایران به‌ویژه برای جوانان نه از سر رفع نیاز که حاصل معنایی فرهنگی و اجتماعی است. از سوی دیگر در نتیجه بصری شدن نشانه‌های منزلتی در جامعه و اهمیت ظواهر در زندگی جوانان طبقه پایین با نمایش و در واقع تقلید سبک زندگی طبقات بالا به کاهش نمادین طبقاتی دست می‌زنند. امروزه به نظر می‌رسد در سطح ساختاری نسل جوان اعتقادی به امنیت شغلی ندارد. اگر برای والدین جوانان امروز، کار محور و اساس زندگی بود و فراغت کاملاً تحت الشعاع آن قرار داشت و در ارتباط با آن تعریف می‌شد، در طیف روبه افزایشی از جوانان امروز گرایش به زندگی پس از کار تقویت شده است. برای بخشی از جوانان جدید اگر چه کار جزء مهمی از هویت فردی و اجتماعی را تشکیل می‌دهد، با این حال کار را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به

اهداف خود، یعنی پول، لذت و فراغت می‌نگرند: روشن است که تجاری شدن فراغت و ضرورت پرداخت هزینه برای تجربه بسیاری از میدان‌های فراغتی (ورزش، سفر و گردش و ارتقای مهارت‌های هنری) اهمیت کار درآمدزا را برای این گروه مهم‌تر از پیش‌ساخته است و نگرانی کنار گذاشته شدن از مشارکت و فعالیت‌های فراغتی را در آنها ایجاد می‌کند. (گزارشی اجمالی از وضعیت اجتماعی ایران: www.iranvision1404.com).

از سوی دیگر با دسترسی به امکانات جدید رسانه‌ای باعث می‌شود که زرق و برق مزایای رفاه، علم و تکنولوژی‌های جدید به وضوح نشان داده شود. بسیاری از جوانان به دنبال برخورداری از این امکانات جدید هستند و برای رسیدن به آن عجله دارند و برای دسته‌ای از آنان پول داشتن، شیک پوش بودن، داشتن پرستیژ بالا خواسته‌ای جدی است. صبر و حوصله این جوانان برای پیشرفت مرحله‌ای و برنامه‌ریزی برای آینده بسیار کم است. با این حال خواسته‌های آنها یکسره بر محور مادی‌گرایی نیست و زندگی خوب و دارای کیفیت را بر امتیازات مالی ترجیح می‌هند. در این راستا، رسانه‌های جمعی به منبع اصلی و مسلط در شکل‌دهی هویت جوانان تبدیل شده‌اند. نسل فعلی جوانان را باید اولین نسل جوانان آشنا با کامپیوتر و تکنولوژی‌های ارتباطی دانست. بسیاری از آنها می‌توانند با طیفی از نرم افزارهای کامپیوتری کار کنند و به راحتی آنها را می‌فهمند. این تحولات تکنولوژیک بر ذوق، سلیقه و نیاز ارتباطی آنها نیز تاثیر گذاشته است. تکنولوژی‌های ارتباطی تعاملی و مجازی (بویژه اینترنت) الزام‌های جدی را بر هویت‌یابی جوانان و سبک زندگی ایرانی داشته‌است (همان).

۲. وضعیت توسعه اجتماعی

با توجه به نوپا بودن مفهوم توسعه اجتماعی پژوهش‌های چندانی در ایران پیرامون این شاخص صورت نگرفته است اما نتیجه این کوشش‌ها را می‌توان در سه نکته زیر خلاصه نمود: الف- نامناسب بودن وضعیت توسعه اجتماعی در ایران در مقایسه با سایر کشورها ب- توسعه اجتماعی نامتوازن در استان‌های ایران ج- وجود رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی در ایران

پژوهش‌های داخلی، وضعیت توسعه اجتماعی در ایران را در مقایسه با سایر کشورهای جهان و منطقه چندان مثبت ارزیابی نکرده‌اند، این در حالی است که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ هدف ایران قرار گرفتن در پله نخست منطقه می‌باشد. علاوه بر آنکه وضعیت توسعه اجتماعی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای منطقه چندان مناسب ارزیابی نشده است، در درون کشور نیز

پژوهش‌هایی که به مقایسه وضعیت استان‌های ایران با یکدیگر در زمینه توسعه اجتماعی پرداخته‌اند، نشان دهنده بروز توسعه اجتماعی نامتوازن در بین استان‌های کشور است؛ به گونه‌ای که شکافی عمیق بین استان‌های نخست از نظر توسعه اجتماعی یعنی یزد، اصفهان، خراسان رضوی و تهران و استان‌های انتهایی در رتبه‌بندی یعنی کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و ایلام وجود دارد. نکته مشترک قابل تأمل دیگر در برخی از این پژوهش‌ها وجود رابطه معکوس بین سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی در ایران است. این در حالی است که در جوامع توسعه‌یافته، رابطه‌ای مثبت بین سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی وجود دارد؛ یعنی کشورهایی که از نظر توسعه اجتماعی در سطوح بالایی قرار دارند، از نظر میزان سرمایه اجتماعی نیز در رتبه‌های نخست قرار گرفته‌اند که این امر شایسته تأمل نظری بیشتری است (گزارشی اجمالی از وضعیت اجتماعی ایران: www.iranvision1404.com). در جدول زیر می‌توانید وضعیت ایران را در زمینه خرده شاخص‌های مختلف و رتبه‌بندی کلی موسسه لگاتیوم ملاحظه نمایید.

جدول شماره ۱. وضعیت ایران در زمینه خرده شاخص‌های مختلف و رتبه‌بندی کلی موسسه لگاتیوم*

رتبه‌بندی کلی	سرمایه اجتماعی	آزادی فردی	ایمنی و امنیت	سلامت	آموزش	حکمرانی	کارآفرینی و فرصت	اقتصاد	موضوع کشور	
۱۰۲	۱۲۱	۱۲۵	۱۲۵	۶۶	۵۷	۱۲۶	۹۵	۷۰	رتبه	ایران
	(-۲/۳۸)	(-۲/۲۶)	(-۲/۳۸)	(۰/۵)	(۰/۵۵)	(-۲/۴)	(-۰/۸۹)	(-۰/۰۳)	نمره	
۱	۱	۶	۲	۴	۶	۱۳	۴	۲	رتبه	نروژ ^۱
	(۴/۴۷)	(۳/۶۶)	(۳/۷۱)	(۳/۰۶)	(۲/۴۴)	(۳/۲)	(۳/۶۷)	(۳/۲۶)	نمره	
۱۹	۴۲	۶۶	۲۳	۳۲	۳۷	۴۱	۳۰	۱۷	رتبه	امارات ۲
	(۰/۵۱)	(۰/۱۶)	(۲/۱)	(۱/۶۱)	(۱/۲۴)	(۰/۶۲)	(۲/۱۶)	(۲/۲۹)	نمره	
۱۱	۱۱	۷	۱۴	۷	۴	۱۳	۱۲	۹	رتبه ایران در بین کشورهای ۱۶ گانه منطقه ۳	

*گزارشی اجمالی از وضعیت اجتماعی ایران: www.iranvision1404.com

^۱ - کشور نخست جهان (بر اساس رتبه بندی لگاتیوم، شاخص توسعه انسانی و شاخص توسعه اجتماعی موسسه مطالعات اجتماعی)

^۲ - کشور اول منطقه خاورمیانه (بر اساس رتبه بندی لگاتیوم)

^۳ - این کشورها به ترتیب رتبه بندی عبارتند از: امارات متحده عربی، کویت، اسرائیل، عربستان سعودی، مراکش، اردن، تونس، لبنان، ترکیه، الجزایر، ایران، مصر، سوریه، عراق، یمن، افغانستان

۳. امنیت اجتماعی

شواهد بسیاری دال بر کاهش اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح در جامعه ایران وجود دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۷). نتایج بسیاری از مطالعات در سطح کشور، حاکی از کاهش نسبی اعتماد اجتماعی در نزد اقشار مختلف اجتماع است. اگر اعتماد را در سه سطح خرد، میانی (تعمیم یافته) و کلان مورد بررسی قرار دهیم، اعتماد در ایران در سطح خرد که اعتماد به خانواده، دوستان و اقوام را در برمی‌گیرد، از وضعیت بهتری برخوردار است. به عبارت دیگر، نوع روابط در جامعه ما بیشتر درون‌گروهي و بسته است و مردم بیشتر مایلند ابتدا با اعضای خانواده خود، سپس با دوستان و اعضای فامیل رابطه برقرار کنند. در سطح اعتماد عام یا تعمیم‌یافته (میانی)، اعتماد نسبتاً پایینی وجود دارد؛ یعنی افراد در تعاملات خود به اقشار مختلف چندان اعتماد ندارند. البته برخی از مشاغل مثل معلمان، اساتید دانشگاه، ورزشکاران، پزشکان، ارتشی‌ها، پلیس راهنمایی و رانندگی و هنرمندان بیشترین میزان اعتماد مردم را دارا هستند. (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۴-۳۱). آمارها در مورد اعتماد در سطح کلان که اعتماد به دولت و نظام حکومتی را در بر می‌گیرد، حاکی از اعتماد معمولی و متوسط مردم به حکومت است. بدیهی است، به موازات کاهش اعتماد مردم به کاغزاران حکومتی و نیز کارآیی قوانین و عدالت سیاسی، میزان مشارکت آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و اداره امور کاهش خواهد یافت. بر اساس نتایج یک ارزیابی دیگر در زمینه اعتماد مردم به دولت که در سال ۱۳۸۶ انجام گرفته، ۷/۵ درصد گزینه اصلاً، ۲۱/۶ گزینه کم، ۲۳/۳ گزینه تا حدودی، ۳۴/۶ گزینه زیاد و ۱۳/۱ درصد نیز گزینه کاملاً را انتخاب کرده‌اند که حاکی از اعتماد متوسط مردم به دولت است (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۶).

۴. وضعیت مسائل جمعیتی در ایران

جمعیت ایران در نیم قرن اخیر در بستر گذار جمعیتی تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است؛ تعداد جمعیت که در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۹ میلیون نفر بوده است به چهار برابر افزایش یافته و در سال ۱۳۹۰ از مرز ۷۵ میلیون نفر گذشت. در بستر این گذار جمعیتی، ایران کنونی در معرض گذار و تغییرات ساختارهای سنی جمعیت قرار گرفته و آن‌ها تبدیل به مهم‌ترین مسئله جمعیت و توسعه‌ای کشور شده‌اند. در واقع تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر در ایران سبب شده است تا نگرش‌های مختلف به جمعیت ایران و افزایش و کاهش میزان رشد سالانه‌ی آن بُعد تازه‌ای بیابد و به دلیل اهمیتی که به ویژه برای آینده کشور دارد مورد توجه محافل

علمی، دانشگاهی، دستگاه‌های سیاست‌گذاری و مدیران امور اجرایی و برنامه‌ریزی قرار بگیرد. این نگاه برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای را به‌سوی تدوین سیاست‌های جمعیتی سوق می‌دهد. مهاجرت، بازتوزیع جمعیت، شهرنشینی و حاشیه‌نشینی، سالخوردگی جمعیت، اشتغال و توانمندسازی زنان، مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی و غیره همه مستلزم این است که به جمعیت به عنوان مقوله‌ای چند بُعدی نگاه شود.

نگاهی آماری به پدیده فرار مغزها از ایران

مهاجرت علمی در کشور ما دارای سطوح گوناگون است. در لایه‌های زیرین این پدیده کسانی هستند که می‌خواهند تحصیلات دانشگاهی معتبر داشته باشند و به سبب پایین بودن ظرفیت پذیرش دانشگاه‌های داخلی، در صدد تحصیل در خارج برآمده‌اند. امروزه آموزش عالی در بسیاری از کشورها به تجارتی پرسود تبدیل شده است، اما کشور ما نه تنها در این تجارت نقش قابل‌اعتنایی ندارد، بلکه به سبب انتقال دانشجویانش به کشورهای دیگر، از بازندگان این معامله است. در سال ۱۹۹۰ تعداد ۱۵۰۹۰۶ نفر از ایران به آمریکا مهاجرت کرده‌اند که ۷۰ درصد از آنها دارای تحصیلات عالی بوده‌اند. براساس آمار سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ (۱۳۷۲) حدود ۲۴۰ هزار ایرانی دارای تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کرده‌اند که از این تعداد ۱۸۶۲ نفر عضو هیات علمی تمام‌وقت و حدود ۳۲۰۰ نفر عضو هیات علمی نیمه‌وقت بوده‌اند. بیشتر اعضای هیات علمی تمام‌وقت، رتبه علمی دانشیاری و استادی داشته‌اند و بنابر آمار مربوط به بانک اطلاعات متخصصان دفتر خدمات مهاجرتی آمریکا، تا سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) مشخصات ۳۷۳۶۲ نفر ایرانی با تحصیلات کارشناسی و بالاتر در این بانک ثبت شده است. از این تعداد ۲۹ درصد در سطح دکتری، ۳۳ درصد در سطح کارشناسی ارشد و بقیه در سطح کارشناسی بوده‌اند. از سوی دیگر آمار متقاضیان اقامت از جمهوری اسلامی ایران به سایر کشورها در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۲ نفر متقاضی تعداد ۳۹۰ نفر از آنان را افراد تحصیل کرده دارای مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تشکیل می‌داده‌اند. بعد از جریان ۱۸ تیر کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ موج عظیم مهاجرت سرمایه‌های انسانی به راه افتاد به گونه‌ای که براساس سخنان معاون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وقت طی سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۷۸ در حدود سیصد و ۱۰ هزار نفر صاحب‌نظر، متفکر و متخصص به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. اما وزیر علوم در مصاحبه‌ای دیگر اعلام کرده است در سال ۱۳۷۹

نزدیک به ۲۲۰ هزار نفر نخبه علمی، مدیریتی و صاحب سرمایه به یکی از کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند که این رقم برای سال پیش از آن نزدیک به ۹۰ هزار نفر بوده است (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۱۶۸). همچنین همه پذیرفته‌شدگان با رتبه دورقمی کنکور سراسری دانشگاه‌های کشور، هر سال از بهترین دانشگاه‌های جهان دعوت‌نامه دریافت می‌کنند و نزدیک به ۹۰ تا ۱۳۵ نفر از دانش‌آموزانی که در سال‌های ۸۰ - ۱۳۷۷ در المپیادهای علمی صاحب مقام شده‌اند هم اکنون در دانشگاه‌های آمریکا به تحصیل اشتغال دارند. براساس دیگر آمارهای مربوط به فرار مغزها ایران در سال ۱۹۹۹ (۱۳۷۸) در میان ۱۰ کشور مهاجرپرست در این زمینه کشور نخست بوده است، این در حالی است که در سال‌های ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) و ۱۹۹۸ (۱۳۷۷) به ترتیب هفتم و ششم بوده است. بر طبق آمارهای دیگر که براساس خروجی‌های اداره گذرنامه در سال ۱۳۷۸ به دست آمده است در این سال هر روز به طور متوسط ۱۵ کارشناس ارشد و ۳/۲ نفر دارای مدرک دکتری از کشور خارج شده‌اند. آمارهای مربوط به اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز نشان می‌دهد که از ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۷ از ۲۸ دانشگاه و موسسه آموزش عالی، ۱۵۱ عضو هیات علمی از کشور خارج شده و برنگشته‌اند. در شش ماه نخست سال ۱۳۷۸، برپایه گزارش معاون دانشجویی و فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۱۶۶۴ تن دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های علوم پزشکی، برای دریافت مدارک، ترجمه و تسجیل آنها اقدام کرده‌اند.

این آمار در مقایسه با مراجعان در مدت مشابه در سال ۱۳۷۷ که در حدود ۷۰۰ تن بوده‌اند رشدی نزدیک به ۴/۲ برابر نشان می‌دهد. در همین مدت ۲۶۹ تن از دانش‌آموختگان در رشته‌های علوم پزشکی از خارج بازگشته‌اند، پس در برابر هر ۷ تن تنها یک تن به کشور بازگشته است. این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافته است، آمارهای منتشر شده از سوی صندوق بین‌المللی پول در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد که ایران از لحاظ فرار مغزها، در میان ۶۱ کشور در حال توسعه رتبه نخست را دارا بوده است و در سال ۱۳۸۳ نیز خبرگزاری مهر اعلام کرد از ۲۴۰ تن از مدال‌آوران که در المپیادهای مختلف شرکت کرده بودند، ۱۲۰ تن تاکنون از کشور خارج شده‌اند و بیش از ۹۰ تن آنها در ایالات متحده اقامت دارند (غفاری و ترجمان، ۱۳۹۴: ۱۹۸-۱۶۸). مطالعات صورت‌گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که در بین کشورهای جهان، آسیا بیشترین نرخ مهاجرت افراد دارای تحصیلات عالی و در بین کشورهای آسیایی، ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالی را دارد. در

سال‌های اخیر، مهاجرت سه دسته از متخصصان ایرانی شامل دانشجویان بورسیه، اعضای هیئت علمی و برگزیدگان المپیادها و کنکورها مورد توجه مسئولین و مطبوعات قرار گرفته‌اند. مقصد اصلی این مهاجرت‌ها بیشتر کشورهای پیشرفته است. به طوری که ۹۵ درصد از نخبگان مهاجر، کشورهای آمریکا، کانادا، انگلیس، استرالیا، فرانسه و آلمان را انتخاب می‌کنند. بسیاری از دارندگان مدال المپیادهای کشور و صاحبان رتبه‌های یک و دو رقی کنکور سراسری جذب کشورهای توسعه‌یافته شده‌اند. آمارها نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از مجموع ۱۷۶ مدال‌آور المپیادهای علمی جهان تعداد ۱۶۳ نفر آنان اکنون در کشور حضور ندارند. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال‌های اخیر روزانه ۲۰ کارشناس ارشد، ۴ دکترا از کشور مهاجرت کردند. همچنین بیش از ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی سال‌های اخیر و اکثر رتبه‌های دو رقی جذب دانشگاه‌های خارجی و به ویژه آمریکا شدند که اکثراً قصد بازگشت به ایران را ندارند. برابر گزارش‌ها، در حال حاضر بیش از ۱۵۰۰۰۰ نفر مهندس و پزشک ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. همچنین براساس اطلاعات موجود، همه ورودی‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با رتبه دو رقی، در سال دوم تحصیلی برای ادامه تحصیل پس از دوره لیسانس، نامه‌ای از بهترین دانشگاه‌های دنیا با بهترین امکانات دریافت می‌کنند. قریب ۹۰ نفر از ۱۲۵ دانش‌آموزی که طی سه سال گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده‌اند در یکی از بهترین دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند (ذاکر صالحی، ۱۳۷۹). همچنین به گفته رئیس باشگاه پژوهشگران جوان از بین ۳۷۶ جوان برگزیده المپیادهای علمی کشور ۱۰۹ نفر مهاجرت کرده‌اند. بانک جهانی نیز در گزارش خود اعلام کرده که سالانه ۳۰۰ هزار نفر که عمدتاً شامل افراد تحصیل‌کرده و کارگران ماهر می‌باشند از ایران به خارج مهاجرت می‌کنند. بر اساس اطلاعات موجود، ۸۰٪ از برگزیدگان المپیادهای علمی در بهترین دانشگاه‌های خارج از کشور جذب شده‌اند و به تعبیر دیگر پس از پیروزی انقلاب اسلامی از تعداد ۱۷۶ مدال‌آور المپیادهای علمی جهان تعداد ۱۶۳ نفر از آنان در کشور حضور ندارند (مزرعتی، ۱۳۷۹).

جدول شماره ۳. وضعیت زمینه‌های تصمیم به مهاجرت و ابزار رسانه‌ای باعث آشنایی با کشور مقصد

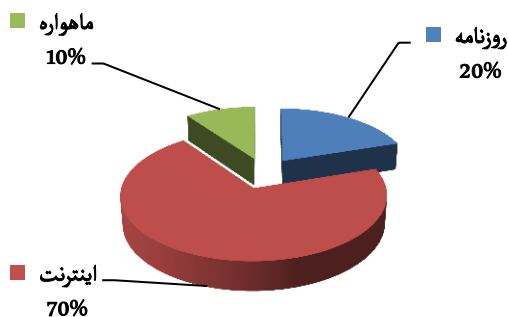
تأثیر جهانی شدن بر مهاجرت		ابزار رسانه‌ای که باعث آشنایی با کشور مقصد شد			زمینه‌های تصمیم به مهاجرت از قبل بود		مدرک تحصیلی		موضوع نخبگان
		تأثیر دارد	تأثیر ندارد	ماهواره	اینترنت	روزنامه	از قبل بود	یکباره بود	
-	۵	۱	۳	۱	۳	۲	۲	۳	نخبگان مهاجرت کرده
-	۵	-	۴	۱	۴	۱	-	۵	نخبگان درصد مهاجرت
-	۱۰	۱	۷	۲	۷	۳	۲	۸	جمع

نمودار شماره ۱. زمینه‌های تصمیم به مهاجرت



فصلنامه منافع ملی، سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۹۵

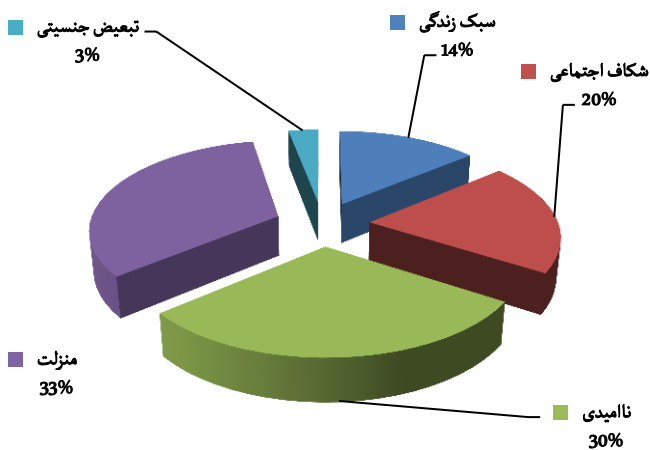
نمودار شماره ۲. ابزار رسانه‌ای باعث آشنایی با کشور مقصد



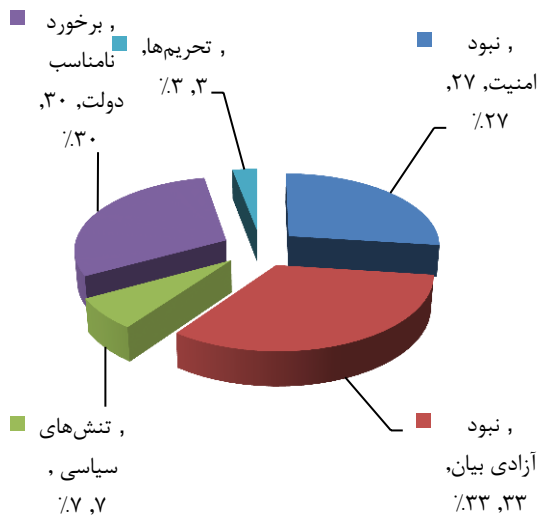
جدول شماره ۴. عوامل اجتماعی و سیاسی موثر بر فرار مغزها

عوامل سیاسی موثر بر فرار مغزها					عوامل اجتماعی موثر بر فرار مغزها					موضوع نوع نخبگان
تحریم‌ها	نامناسب دولت بر خورد	تنش‌های سیاسی با نظام بین‌الملل	نبود آزادی بیان	نبود امنیت	تبعیض جنسیتی	میزان	ناامیدی	شکاف اجتماعی	سبک زندگی	
-	۵	-	۵	۴	۱	۵	۴	۳	۲	نخبگان مهاجر ت کرده
۱	۴	۲	۵	۴	-	۵	۵	۳	۲	نخبگان درصد مهاجر ت
۱	۹	۲	۱۰	۸	۱	۱	۹	۶	۴	جمع

نمودار شماره ۳. عوامل اجتماعی موثر بر فرار مغزها



نمودار شماره ۴. عوامل سیاسی موثر بر فرار مغزها



در مطالعه پدیده مهاجرت مغزها در کشورهای جهان سوم، سرمایه اصلی کشورهای در حال توسعه که نیروی انسانی متخصص است، به بهایی ارزان در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار می‌گیرد و هر ساله میلیاردها دلار از طریق مهاجرت مغزها از دست می‌رود. در محاسبات اقتصادی کشورهای صنعتی، جذب هر فرد تحصیل کرده با مدرک کارشناسی ارشد یا دکترا از کشورهای جهان سوم یک میلیون دلار سود عاید آنها می‌کند، بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که کشورهای جهان سوم علی‌رغم دارا بودن ۸۰ درصد جمعیت جهان تنها ۲۰ درصد درآمد جهان و ۱۰ درصد توان علمی جهان را در اختیار دارند. از میان کشورهایی که به دلیل در اختیار گذاشتن امکانات پژوهشی و رفاهی به صاحبان اندیشه بیشترین نخبگان ایرانی را به خود جذب کرده‌اند، آمریکا و کانادا به ترتیب رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. از میان سه میلیون مهاجر ایرانی به ترتیب ۲/۱ میلیون نفر در آمریکا، ۲۰۰ هزار نفر در کانادا، ۱۸۰ هزار نفر در انگلیس، ۱۱۰ هزار نفر در آلمان، ۱۰۰ هزار نفر در فرانسه، ۹۰ هزار نفر در سوئد، ۷۰ هزار نفر در استرالیا و بقیه در دیگر کشورها ساکن شده‌اند. نبود امکانات رفاهی، فقر امکانات آموزشی، بی‌توجهی به جایگاه علم و عالم، بی‌توجهی به پژوهش و عدم شایسته‌سالاری از جمله عوامل داخلی فرار مغزها به شمار می‌رود (حکیم زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۸۱).

در خصوص عوامل جذب‌کننده خارجی فرار مغزها هم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- عوامل اقتصادی مانند دستمزدها، درآمدها و امکانات ۲- عوامل اجتماعی مانند وضعیت توزیع امکانات اجتماعی از جمله امکانات رفاهی، بهداشتی و تفریحی ۳- عوامل فرهنگی و علمی مانند تفاوت‌های نظام آموزشی، امکانات پژوهشی و تحقیقی و مطالعات علمی و نیز تسهیلات فراوان در دسترسی به ابزار، تکنیک و کتاب‌های علمی

با عنایت به تغییرات و تحولات سریع در جهان و در بیشتر کشورها و پیشرفت پرشتابی که به صورت تصاعدی در بسیاری از کشورهای پیشرفته و در تعدادی از کشورهای در حال توسعه در حال وقوع است، تغییر و توسعه از عوامل ضروری در سازمان‌ها و در کشورها به شمار می‌رود. امروزه اساساً رشد و توسعه اقتصادی و یا افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی اکثر کشورها در گرو عوامل مهمی از قبیل فناوری و اطلاعات، تولید و بهره‌وری است. هرچند اخیراً برای کشورهای پیشرفته بعد فناوری در مقایسه با تولید از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است. در هر حال، برای کلیه کشورها، بهره‌وری سیستم‌های اطلاعاتی و تولیدی از اهمیت خاصی برخوردار است. آنچه که به طور مشترک در تمامی کشورها و در فازهای اطلاعاتی، تولیدی و

خدماتی وجود دارد، دانش است و در این میان نقش دانشگاه به عنوان مرکز تولید علم و فناوری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که عامل نیروی انسانی متخصص و ماهر است که باعث پیشرفت سازمان‌ها یا کشورها و بهره‌وری بهینه از امکانات و منابع کشورها می‌شود. سرمایه نیروی انسانی دانشگاهی و متخصص، تنها سرمایه‌ای است که نمی‌توان مانند منابع فیزیکی دیگری، مقدار دقیق پولی آن را محاسبه کرد. بنابراین، زیان‌های ناشی از مهاجرت نخبگان شامل دو نوع زیان‌های بالفعل و بالقوه است. آمار مهاجرت، حکایت از این دارد که اغلب نخبگان برای رسیدن به استانداردهای بالای زندگی ترک وطن می‌کنند و مابقی به دلایل نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و شغلی از کشور خارج می‌شوند (حکیم زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۸۱).

در تحقیقی که به منظور بررسی مشکلات استعدادهای درخشان انجام شده، از مجموع پاسخ‌ها به پرسشنامه تحقیق، مشکلاتی که می‌توانند به وسوسه فرار مغزها منجر شوند. پاسخ‌ها به ترتیب فراوانی ذکر شده عبارت بودند از:

▪ سرخوردگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛ ▪ مشکلات رفاهی؛ ▪ مشکلات هیأت علمی، مثل پایین بودن تخصص و ارتباط نامطلوب؛ ▪ مشکل اشتغال؛ ▪ کمبود ظرفیت‌های تحقیقاتی؛ در بررسی دیگری که انجام شده علل و عوامل عدم بازگشت دانشجویان ایرانی به وطن در ۲۲ مورد زیر فهرست گردیده است:

- ✓ وضعیت سیاسی، اجتماعی و علمی کشور محل تحصیل؛
- ✓ عدم نظارت و سرپرستی در تحصیل و امور کلی و معیشتی و خانوادگی دانشجو؛
- ✓ اختلاف سطح زندگی و نابرابری ارزش دلار و ریال؛
- ✓ قطع ارتباط فرهنگی و اعتقادی و تخریب مبانی فکری تحت تأثیر فرهنگ حاکم؛
- ✓ قیاس شرایط زندگی دانشجو با امکانات موجود در کشور محل تحصیل و وضعیت زندگی پس از بازگشت احتمالی به کشور؛
- ✓ شرایط مناسب مدرسه فرزندان در سنین دبستان و دبیرستان و امکانات موجود و تسهیلات برای ورود به دانشگاه برای سنین بالاتر؛
- ✓ روشن نبودن آینده کاری، محل خدمت، ضوابط استخدام و شیوه کار و اقداماتی که باید دانشجو پس از بازگشت انجام دهد؛

- ✓ تشویق خانواده‌ها از ایران برای ماندن و یا حداقل ترغیب به نیامدن با ذکر مسائل و دشواری‌های معیشتی و هزینه‌های بالا و ذکر کمبودها و کسری‌ها؛
- ✓ نامشخص و نامعین بودن جایگاه دانشجو به عنوان استاد آینده دانشگاه پس از بازگشت به کشور و کمبود امکانات تحقیق و مطالعه و کم قرب و منزلت بودن محقق و معلم؛
- ✓ دوری راه و نبودن امکانات مسافرت مستقیم و متناوب، بالا بودن هزینه رفت و آمد که باعث جدایی دانشجو و خانواده او از محیط اجتماعی داخل کشور برای مدت طولانی می‌شود؛
- ✓ اخبار و اطلاعات نامطلوب منتقل شده از سوی کسانی که اخیراً از کشوری مراجعت کرده‌اند و یا اشخاصی که تحصیلات‌شان به اتمام رسیده و به داخل کشور برگشته‌اند (وقوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵-۱۵۹).

به طور کلی اکثر تحقیقاتی که در زمینه عوامل مشترک فرار مغزها در کشور انجام شده، تفاوت کلی میزان حقوق و دستمزد را یکی از عوامل مهم و اصلی مهاجرت ذکر می‌کنند. اما علل مادی را نمی‌توان به خودی خود به عنوان یکی از عوامل مهاجرت تلقی کرد؛ زیرا، این علت آشکار، علل نهان بسیاری را با خود یدک می‌کشد. پژوهشگر به جایی می‌رود که بتواند در علم خود پیشرفت کند و این پیشرفت نیز در جایی به دست می‌آید که آزادی و آرامش خاطر باشد. هر چه دانشجویان از شرایط موجود و آینده خود رضایت بیشتری داشته باشند احتمال اینکه تن به مهاجرت ندهند بسیار بیشتر است. در این زمینه روزنامه ایران یک نظرسنجی درباره عوامل امیدواری دانشجویان به متغیرهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه انجام داده است.

■ **عوامل مؤثر در امیدواری:** ۳۲ درصد نقش خانواده را مهم می‌دانند. ۲۸ درصد اقتصاد و توسعه اقتصادی، ۲۳ درصد عنصر پول، و ۱۷ درصد شرایط سیاسی را انگیزه و عوامل ضروری در آینده و امیدواری به آن می‌دانند.

■ **مسائل اقتصادی:** ۴۸ درصد از دانشجویان به میزان کمی نسبت به آینده اقتصادی امیدوارند، ۲۶ درصد تا حدودی و ۲۴ درصد به هیچ وجه امیدوار نیستند. تنها ۲ درصد دانشجویان میزان خوشبینی خود را زیاد ذکر کرده‌اند.

■ **مسائل اجتماعی و امید به آینده:** دانشجویان در ارتباط با میزان امیدواری خود در مسائل اجتماعی، ۴۰ درصد کم، ۴۰ درصد تا حدودی، ۱۴ درصد اصلاً و ۶ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

▪ **مسائل سیاسی:** ۳۹ درصد پاسخگویان دانشجو به میزان کمی نسبت به آینده مسائل سیاسی خوشبین هستند، ۲۸ درصد اصلاً امیدوار نیستند، ۲۷ درصد تا حدودی و ۶ درصد به میزان زیادی به این مسائل امیدوارانه می‌نگرند.

▪ **شغل مناسب:** در ارتباط با امیدواری برای پیدا کردن شغل مناسب، ۳۶ درصد کم، ۳۲ درصد تا حدودی، ۱۹ درصد اصلاً و ۱۳ درصد نیز گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

▪ **امیدوار یا ناامید:** از دانشجویان پرسیده شد که جدای از مسائل جامعه و امور روزمره، افرادی امیدوار هستند یا ناامید؟ پاسخگویان در برابر این سؤال این گزینه‌ها را ذکر کرده‌اند: ۳۶ درصد تا حدودی امیدوار، ۳۳ درصد امیدوار و ۱۹ درصد نیز ناامید هستند. البته ۱۲ درصد دیگر پاسخگویان به گزینه نمی‌دانم اشاره کرده‌اند (وقوفی، ۱۳۸۱: ۱۶۵-۱۵۸).

نتیجه‌گیری:

براساس یافته‌های تحقیق، مهمترین عوامل اجتماعی و سیاسی موثر بر فرار مغزها در ایران از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ شامل مواردی مانند کاهش شأن و منزلت دانشمندان و استادان دانشگاه و تاثیر آن بر فرار مغزها، تغییرات در سبک زندگی ایرانی و دوری از تمایل به سادگی و قناعت در زندگی، محدودیت‌های بر سر راه روزنامه‌ها و رسانه‌ها در ایران، کاهش امنیت اجتماعی و عدم اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد در جامعه، بی‌توجهی به رشد کیفی و تحقیق و پژوهش در دانشگاه‌ها، پایین بودن مزایای اقتصادی نخبگان و متخصصان در ایران نسبت به کشورهای توسعه یافته، وجود مشکلات در آزادی بیان و عوامل سیاسی و قانونی موجود در این زمینه، عدم شایسته‌سالاری، انحصارات دولتی، میزان امید کم به آینده، تغییرات جمعیت شناختی در کشور و معضلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن و نیز تحولات سیاسی داخلی و خارجی با آثار منفی بر نخبگان در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ شامل تحریم‌های شدید اقتصادی بر سر موضوع هسته‌ای، جنبش دانشجویی و برخوردهای صورت گرفته با آن، حوادث پس از انتخابات سال ۱۳۸۸ و اعتراضات گسترده به وجود آمده در فضای سیاسی کشور اشاره کرد که از طریق ایجاد و تقویت فضای ناامیدی در میان نخبگان و نیز تاثیر منفی بر احساس امنیت و اعتماد این قشر به آینده و چشم‌انداز تحولات جامعه، در نهایت منجر به این امر شد که نخبگان خروج از کشور را بر ماندن در آن ترجیح دهند. همچنین، در این تحقیق برای بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی موثر در فرار مغزها از مصاحبه ساختاریافته با نخبگان نیز استفاده شد. که طبق نتایج

به دست آمده زمینه‌های تصمیم به مهاجرت اغلب نخبگان از قبل بوده و به یکباره تصمیم به خروج از کشور نگرفتند. از سوی دیگر عمده‌ترین ابزار رسانه‌ای که باعث آشنایی نخبگان با کشور مقصد شده اینترنت و فضای مجازی بوده که تاثیر بیشتری در مقایسه با روزنامه و سایر ابزارهای ارتباطی داشته است. همچنین تمام نخبگان مصاحبه‌شونده، جهانی‌شدن را بر مهاجرت نخبگان تاثیرگذار دانسته و از نظر آنان، در حوزه اجتماعی و به ترتیب زیر؛ محدودیت‌هایی از قبیل رعایت نشدن منزلت اجتماعی، ناامیدی از آینده مطلوب و شکاف‌های اجتماعی از اهمیت بیشتری در مقایسه با مواردی مانند سبک زندگی و تبعیض جنسیتی داشته است. در مقوله سیاسی نیز نبودن آزادی بیان، برخورد نامناسب دولت و نبود امنیت از اولویت بیشتری در مقایسه با عواملی مانند تنش‌های سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی داشته است. پیامدهای فرار مغزها می‌تواند علاوه بر خروج میلیاردها تومان از کشور، سبب ضعف منابع انسانی و علمی در داخل گردد. بنابراین نیازمند راهکارهای نظری و علمی جهت جلوگیری از خروج و مهاجرت نخبگان از کشور هستیم. در حال حاضر بسیاری از کشورهای در حال توسعه شروع به اجرای راهکارهایی جهت جذب و به کارگیری نخبگان خود نموده اند. در درجه اول ما نیازمند این هستیم که ساختار علمی و دانشگاهی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قانونی را در داخل بهبود بخشیم تا بتوانیم نخبگان را جذب کشور نماییم. البته به دلایل متعدد از جمله ناتوانی در بکارگیری تخصص افراد نخبه، نمی‌توان همه مهاجران را به کشور بازگرداند و برای همین منظور، راهکاری که مناسب به نظر می‌رسد به این شکل است که تخصص این مهاجران بوسیله شبکه‌هایی از راه دور مورد استفاده قرار گیرد. این طرح با کمک پیشرفت تکنولوژی جدید توانسته به کشورهای در حال توسعه در جهت ایجاد ارتباط و بکارگیری نیروهای متخصص کمک بسیاری نماید و بسیاری از کشورهای در حال توسعه از طریق این راهکار جدید توانسته‌اند توسعه علمی و تکنولوژیک کشور خود را ارتقاء بخشند. این کشورها با ایجاد شبکه‌های جهانی به استفاده از تخصص افراد نخبه خود در خارج پرداخته‌اند. این در حالی است که طبق آخرین آمار در ایران از این راهکار هنوز به طور جدی استفاده نمی‌شود. سیستم تصمیم سازی در کشور ما نیز باید همچون کشورهای توسعه یافته به طور گسترده به دانشگاه‌ها متصل گردد و محصول این ارتباط برای کل جامعه و سیستم مفید و راهگشا خواهد بود.

منابع فارسی:

کتابها

- ۱- ابوالفضل شاه‌آبادی و جمعی از همکاران (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، تهران: نشر فرهنگ
- ۲- ابوالفضل شاه‌آبادی و رقیه پوران (۱۳۸۸)، اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی (مطالعه موردی ایران)، تهران: پژوهش نامه بازرگانی
- ۳- جعفری معطر، فریدون (۱۳۸۷)، مهاجرت نخبگان، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- ۴- رحمت‌الله قلی‌پور و فرحناز حسام‌پور (۱۳۸۶)، تحلیل اجتماعی فرار مغزها، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- ۵- سلجوقی، خسرو (۱۳۷۹)، مهاجرت نخبگان، علل و راهکارها، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی
- ۶- عسگری و دیگران (۱۳۷۶) فرار مغزها؛ انتقال معکوس تکنولوژی، ترجمه مجید محمدی، تهران: آفتاب
- ۷- طایفی، علی (۱۳۸۰)، بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی
- ۸- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز
- ۹- مسعود چلیپی و رسول عباسی (۱۳۸۳)، تحلیل تطبیقی فرار مغزها در سطوح خرد و کلان، تهران: پژوهش نامه علوم انسانی
- ۱۰- وقوفی، حسن (۱۳۸۱)، فرار مغزها (بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون)، تهران: بیستون

مقالات

- ۱- ارشاد، فرهنگ (۱۳۸۰)، مبانی نظری فرار مغزها برحسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران شماره ۵
- ۲- امیرمسعود شهرام‌نیا و مجید اسکندری (۱۳۸۸)، ابعاد، ریشه‌ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز: مطالعه موردی ایران، نشریه ره‌آورد
- ۳- رضوان حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۲)، تأثیر عوامل آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بر تمایل به مهاجرت از کشور دردانشجویان دانشگاه تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۹
- ۴- شهیدزاده، حسین (۱۳۹۲)، فرار مغزها، مشکل بزرگ جهان سوم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۵ و ۴۶
- ۵- شیاتوهانگ، وای (۱۳۷۲)، تحلیلی تجربی از فرار مغزها و دانشجویان خارجی به امریکا، ترجمه گروه فرهنگی، مجله راهبرد، شماره ۲، سال ۲
- ۶- محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳)، جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵

منابع انگلیسی:

- 1.Nye,Joseph, march (2004),**Soft Power:The Means to Success in World Politics**(Public Affairs:1 st edition)
- 2.Adams, Jr. Richard H.(2003), **International Migration, Remittances and the Brain Drain: A Study of 24 Labor – Exporting Countries**, World Bank, Development Research Group, Working Paper Series,June